

پیشروی گروه طالبان و سیاست صلح جویی حکومت

سرمقاله

مفهوم استقلال و وضعیت کنونی افغانستان

محمد رضا هويدا

نزدیک به صد سال از استرداد استقلال افغانستان می گذرد، اما حدود نیم قرن از این مدت را افغانستان در جنگ و خونریزی سپری کرده است. افغانستان در یک قرن گذشته، صعودها و سقوط های مهمی داشته است. روزگاری که افغانستان به استقلال رسید، عصر جنبش های استقلال طلبانه و مبارزات آزادی خواهانه بود و کشورهای دربار، یکی پس از دیگری با قیام و مبارزه، استقلال خود را از کشورهای استعماری می گرفتند و راه آزادی را می پیمودند. بسیاری از کشورهایی که در این دوره به استقلال رسیدند، این راه را به جدیت و تلاش پیمودند و خود را به منزل مقصود رسانیدند.

بسیاری از کشورهایی که امروزه، جزئی از اقتصادهای برتر و قدرتمند جهان هستند، و یا کشورهایی که قدرت های سیاسی و نظامی جهان به شمار می روند، در همین مدت از خاکستر جنگ برخاستند و یا با خارج شدن از زیر یوغ استعمار به استقلال به معنای واقعی آن رسیده اند. کشورهای کوچک و بزرگ زیادی نیز در نیم قرن اخیر راه دراز توسعه و رشد و استقلال را به سرعت زیادی پیمودند و با خیزهای بلند خود را به دیگران رسانیدند. اما افغانستان با آنکه یک قرن از استرداد استقلالش می گذرد، هر ساله سالروز استقلال خود را در میان آتش جنگ و خون و بر خاکستر آبادی های گذشته اش تجلیل می کند. مردم افغانستان واقعا معنای استقلال را می فهمند، و برای رسیدن به استقلال واقعی لحظه شماری می کند. استقلال واقعی، آزادی، دموکراسی، حقوق بشر، حقوق زنان، رفاه، برابری و عدالت را در خود دارد. اولین مفهومی که از استقلال باید استنباط کرد، آزادی از دخالت دیگران در همه زمینه ها است. کشوری که استقلال می خواهد، در حقیقت سعی خواهد خود را از زای و نغز و دخالت دیگران خلاص کند و اداره امور خود را بر اساس مصالح و منافع خود به پیش ببرد. بنابراین، اگر کشور پس از سالها نتواند اداره امور خود را بدست گیرد و فارغ از دخالت دیگران کار کند، به استقلال کامل نرسیده است.

از سوی دیگر استقلال تنها به تشکیل دولت و استقرار حکومت منحصر نمی شود. داشتن یک دولت که متکی به کمک های خارجی باشد و امور حکومت خود را نتواند به تنهایی و بدون دخالت دیگران انجام دهد، با مفهوم استقلال منافات دارد. استقلال در تمام عرصه های سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی باید تحقق یابد.

هیچ دولتی در نبود استقلال اقتصادی نمی تواند مدعی استقلال باشد. کشوری که بودجه ملی اش از کمک های خارجی و با خواست و نظر کشورهای کمک کننده باشد، تا استقلال فاصله دارد. همان گونه، کشوری که نیروی نظامی اش نتواند به تنهایی و بر اساس ضرورت ها و مصالح و منافع کشور، از سرحدات و تمامیت ارضی و جان و مال مردم خود دفاع کند، نیز به استقلال نرسیده است. علاوه بر اینها کشوری که سیاست خارجی و داخلی اش صرفا بر مبنای منافع و مصالح همان کشور تنظیم نشود و دست بیگانگان از حاکمیت و حکومت آن کوتاه نباشد، باید در رسیدن به استقلال شک کند.

با همه اینها استقلال را باید نسبی شمرد، هیچ کشوری در یک روز به استقلال نرسیده است. همه کشورها برای رسیدن به استقلال زحمت ها و مشقت ها کشیده اند. همه کشورها راه درازی را برای رسیدن به استقلال پیموده اند. این کشورها برای رسیدن به استقلال قربانی ها داده اند و از خود گذری ها داشته اند.

جایگاهی که امروز افغانستان در آن قرار دارد، واقعا در شان این مردم و کشور نیست. دولتمردان و مردم ما باید برای رسیدن به استقلال واقعی رنج و مشقت ها و از خود گذری های زیادی را داشته باشند. ما نیاز داریم تا حکومت و دولتی سالم و به دور از فساد داشته باشیم. ما باید برای رسیدن به استقلال سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی تلاش کنیم. ما باید امیدوار باشیم که می توانیم به استقلال واقعی برسیم.

گروه طالبان در ولایت هلمند پیشروی قابل توجهی نموده است. این گروه با نیروی آموزش دیده به جنگ نیروهای امنیتی افغانستان رفته است و توانسته است تا چند کیلومتری شهر لشکرگاه نزدیک شود. در عین حال، این گروه موفق به تصرف دهه غوری ولایت بغلان شده است. در این دو ولایت، ایمن گروه تجهیزات زیادی را به دست آورده است. نیروهای کمکی از ولایت های همجوار برای بازپس گیری به ولایت بغلان رفته است. در ولایت هلمند نیز نیروهای تازه نفس از کابل رفته است اما، تا هنوز نتوانسته است به صورت تمام عیار گروه طالبان را سرکوب و منکوب نماید و این گروه همچنان در برابر نیروهای امنیتی مقاومت می کند. با این حال، جنگ نیروهای امنیتی کشور با گروه طالبان تنها محدود به این دو ولایت نمی شود. نیروهای امنیتی کشور در چندین ولایت با این گروه در حال جنگ است. در ولایت فراه شش سرباز کشور از سوی این گروه اعدام شده اند. این درنکات ترن خبر هفته کنونی است. با این حال، سیاست حکومت وحدت ملی در قبال گروه طالبان تغییر نموده است. آیا ما ضرورت به بازنگری در برخورد با گروه طالبان نداریم. آیا گروه طالبان تفاوت با داعش و دیگر گروه های تروریستی دارد؟ گروه طالبان در ۱۵ سال گذشته با رحنی تمام عمل نموده است. برخورد آن ها هم با مردم و هم با نیروهای امنیتی کشور بی رحمانه بوده است. در بسیاری موارد، غیر نظامیان را هدف قرار داده است و از غیر نظامیان به عنوان سپر دفاعی استفاده نموده است. در عین حال، مسافران و نیروهای امنیتی کشور را گروگان گرفته اند و در برخی موارد آن ها را قتل نموده است. اگر از دیگر موارد بگذریم حملات اخیر که در کابل صورت گرفت و جان صدها تن از شهروندان بی گناه و غیر نظامی کشور را گرفت و گروه طالبان مسئولیت آن را به عهده گرفت، نشان آن است که این گروه تفاوت با گروه داعش و شبکه القاعده ندارد. از این جهت، ضرورت وجود ندارد که این در

به کشورها همسایه دارد و به عنوان ابزار دست آن ها عمل می نماید. گفتگوی چهار جانبه صلح و حاضر نشدن این گروه به گفتگو و مذاکره نشان داد که این گروه اهمیت به منافع، امنیت و ثبات افغانستان نمی دهد بلکه برای این گروه کشور کمک کننده و حمایت کننده اولویت بیشتر دارد. از این جهت، ضرورتی وجود ندارد که با هم بر سیاست تأکید نمایم که هیچ نتیجه ای در بر نخواهد داشت. تا هنوز راه طولانی را طی نموده ایم و تجربه کافی به دست آورده ایم. تجربه ما تلخ بوده است. با تمام قوا تلاش نموده ایم تا این گروه را حاضر به گفتگو و مذاکره نمایم اما، این گروه حاضر به گفتگو نشده است. ادامه این سیاست چیزی جز سرفرازی نیست. در واقع، تداوم سیاست صلح با گروه طالبان نادیده گرفتن خون صدها و هزاران شهروند و سرباز این کشور است که برای این خاک خون خود را هزینه نموده است. گروه طالبان عملیات بهاری خود را آغاز



رحیم حمیدی

نمود و با شدت تمام آن را ادامه داده است اما، ما همچنان میسر این گروه تفکیک قائلیم. شبکه حقانی را طالبان بد می دانیم و بقیه گروه طالبان را طالبان خوب. این در حالی است که رئیس شبکه حقانی معاون رهبر گروه طالبان است. تصمیم گیری گروه طالبان اکنون به دست رئیس شبکه حقانی است. دستورات که به شبکه حقانی داده می شود همان دستورات به باقی اعضای گروه طالبان نیز داده می شود. اعمالی را که شبکه حقانی مرتکب می شود باقی اعضای گروه طالبان نیز آن را انجام می دهد. بنابراین، تفکیک میان این دو گروه هیچ سودی برای صلح و ثبات و حفظ جان و مال شهروندان کشور نمی کند. در ششم تور سسال جاری، رئیس جمهور غنی در سخنرانی در پارلمان کشور از مصراحت بیان داشت که تنها برخی از اعضای گروه طالبان دشمن مردم افغانستان است. آیا رئیس جمهور قادر به تفکیک طالبان خوب از طالبان بد است.

آیا رئیس جمهور به صراحت می تواند بگوید که تنها شبکه حقانی در هلمند، بغلان، غزنی، فراه و ... با نیروهای امنیتی کشور می جنگد. آیا برای رئیس جمهور می داند که شبکه حقانی شش سرباز این کشور را اعدام نموده است و دیگر اعضای گروه طالبان دستی در این کار نداشته است. هیچ اطلاعات موثق در ایمن مورد وجود ندارد. وقتی که سخنگوی گروه طالبان مسئولیت یک حمله را به عهده می گیرد این نشانگر آن است که تنها شبکه حقانی در آن دخیل نیست بلکه تمام این گروه مسئول است. دیر یا زود حکومت مجبور به پذیرش این حقیقت خواهد بود که دشمن اصلی حکومت و مردم افغانستان گروه طالبان است. اما تملل در پذیرفتن گروه طالبان به عنوان دشمن شماره یک می تواند ضربه های مهلک به مردم و حکومت وارد نماید. گروه طالبان ممکن است بخش های زیادی از خاک کشور را تصرف نماید. بر اثر جنگ خانواده های بیشتری را آواره و مهاجر نماید و جان های بیشتری را بگیرد.

نمود و با شدت تمام آن را ادامه داده است اما، ما همچنان میسر این گروه تفکیک قائلیم. شبکه حقانی را طالبان بد می دانیم و بقیه گروه طالبان را طالبان خوب. این در حالی است که رئیس شبکه حقانی معاون رهبر گروه طالبان است. تصمیم گیری گروه طالبان اکنون به دست رئیس شبکه حقانی است. دستورات که به شبکه حقانی داده می شود همان دستورات به باقی اعضای گروه طالبان نیز داده می شود. اعمالی را که شبکه حقانی مرتکب می شود باقی اعضای گروه طالبان نیز آن را انجام می دهد. بنابراین، تفکیک میان این دو گروه هیچ سودی برای صلح و ثبات و حفظ جان و مال شهروندان کشور نمی کند. در ششم تور سسال جاری، رئیس جمهور غنی در سخنرانی در پارلمان کشور از مصراحت بیان داشت که تنها برخی از اعضای گروه طالبان دشمن مردم افغانستان است. آیا رئیس جمهور قادر به تفکیک طالبان خوب از طالبان بد است.

بازتاب تنش های سیاسی در زندگی اجتماعی

مهدی مدیر



بزنند. بیشتر شهروندان افغانستان نمی توانند چند جمله در باره یک کتاب، یک فیلم و یا یک موضوع غیر سیاسی بگویند، اما ساعت ها می توانند بنشینند و چای بنوشند و از سیاست و روابط سیاسی حرف بزنند. در بسیاری از کشورهای دیگر بازی های سیاسی مربوط سیاستمداران است و از زندگی شخصی شهروندان جدا است و نمی تواند باعث دو دستگی اجتماعی از سوی دیگر سیاستمداران افغانستان بشود. از اینکه در چارچوب یک سیاست ملی و فراگیر، نقد و یا ستایش شوند، در چارچوب نسب های قومی نقد و یا ستایش می شوند. ستایش کنندگان کسانی هستند که نسبت های شخصی با سیاست مدار دارند و نقد کنندگان نیز کسانی هستند که نسبت قومی متفاوت با سیاست مدار دارند. این وضعیت فرصت نقد واقع بینانه را از شهروندان کشور گرفته است. بیشتر شهروندان افغانستان، بجای نقد تحلیلی و واقع بینانه ی وضعیت سیاسی و در زمینه ی آن رفتار و کنش سیاست مداران؛ واکنش های احساسی و آنی به عملکردها، تنش ها و روابط سیاسی سیاست مداران نشان می دهند و در یک چنین وضعیتی است که سیاست می تواند زندگی اجتماعی را نیز با تنش مواجه کند و روابط شان را نیز با تنش مواجه کند و روابط شان را نیز با تنش مواجه کند. اینکه چرا همواره شهروندان افغانستان به ورود احساسی با رویدادهای سیاسی دارند، خود ریشه در یک مشکل بزرگ دیگر دارد و آن مشکل کم سوادی و یا بی سوادی است. اکثر شهروندان افغانستان

شخص سیاستمدار را تحسین و تمجید می کنند و هر نوع دیدگاه سیاسی او را ستایش برانگیز می دانند، اما عده ای دیگر نیز هستند که هر نوع دیدگاه و تفکیر سیاسی یک سیاستمدار را نکوهش می کنند و بسیاری اوقات حتی با دشنام و فحش بر آن شخص حمله می کنند. این دو طیف همواره باهم درگیر هستند و کمتر دیدگاه همدیگر را با تحلیل و استدلال منطقی رد می کنند و بیشتر با فحش و دشنام پاسخ می گویند. این دو دستگی، نشان می دهد که سیاست و بازی های سیاسی تا چه اندازه می تواند روابط اجتماعی ما را تغییر بدهد. کامنت ها فیسبوکی و سایر شبکه های اجتماعی نه تنها جمله های کوتاه و احساسی هستند، بلکه نشانگر روابط و مناسبات اجتماعی روز هستند و نشان می دهند که شهروندان در قبال وضعیت جاری چگونه موضع می گیرند. اما چرا سیاست و روابط سیاسی می تواند روابط اجتماعی را در افغانستان تغییر و سمت و سو بدهد؟ چرا ما با یک تنش سیاسی روابط اجتماعی خود را نیز در خطر می بینیم و حتی امکان دارد بعضی از دوستان خود را از دست بدهیم؟ واضح ترین پاسخ به سئوالات فوق می تواند این باشد که سیاست در افغانستان، از زندگی شخصی و روابط اجتماعی شهروندان کشور جدا نشده است. در افغانستان تنها سیاست مداران سیاست نمی کنند، بلکه تمام شهروندان کشور به نحوی خود را سهیم در بازی های سیاسی می دانند. شهروندان افغانستان بیشتر از هر چیزی درباره سیاست می توانند حرف

شهرودان افغانستان تاثیر گذاشته است. این وضعیت را می توان در جاهای مختلف مشاهده کرد، از بحث های که در میزگردهای رسانه های تصویری برگزار می شود تا بحث های مسافران یک تاکسی. اما بازتاب این تنش ها و در نتیجه تاثیر آن بر روابط اجتماعی را، بیشتر از همه جا، می توان در شبکه های اجتماعی مشاهده کرد. اختلاف دیدگاه سیاسی و همچنان تنش در روابط سیاسی سیاستمداران، یا کم معمول و جهانی است، اما در افغانستان سیاست بصورت مستقیم بر روابط اجتماعی و زندگی اجتماعی شهروندان تاثیر می گذارد. بعد از تنش های سیاسی میان رهبران حکومت وحدت ملی و همچنان در بسیاری موارد دیگر، تنش در برخوردهای اجتماعی و همچنان تشدید اختلاف نظرها در فضای اجتماعی را می توان به وضوح مشاهده کرد. سیاست در افغانستان، فضای اجتماعی را نیز شکل و سمت و سو می دهد، تنش های سیاسی نیز منجر به تنش های اجتماعی می گردد و زندگی و روابط اجتماعی شهروندان را متاثر می سازد. تشدید تنش های اجتماعی متاثر از تنش های سیاسی را، می توان در برخوردهای تند و حسی فحش ها و دشنام های که شهروندان در شبکه های اجتماعی نثار هم می کنند، دید و درک کرد. پست های فیسبوکی سیاست مداران افغانستان را اگر بخوانیم همواره یک دو دستگی اجتماعی را می بینیم. محل کامنت گذاری صفحه های اجتماعی سیاست مداران افغانستان تبدیل به میدان جنگ های لفظی و دشنام های متقابل شهروندان شده است. عده ی هستند که زیر این پست ها همواره

کارتون روز



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر و ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگتر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسوول: محمد رضا هويدا
سردبیر: حفیظ الله زکی
کاریکاتوربست: خالق علی زاده

دیزاین: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷ - ۱۳۷

